

## بیرونی

### و ضرورت بازخوانی مفهوم "دیگری"<sup>۱</sup>

ستیز در موارد اختلاف لفظی همان چیزی است که ما کناره می‌جوئیم.

بیرونی

#### چکیده

محمد ابوریحان بیرونی از چهره‌های بزرگ علمی تمدن بشری به شمار می‌رود، اندیشمندی که تا هنوز آراء و اندیشه‌های او در حوزه‌های بشرشناسی، نجوم، تاریخ، ریاضیات، فلسفه، هندشناسی و غیره در مراکز علمی و فرهنگی جهان قابل اعتنا است و مهم تلقی می‌شوند. او از دانش کم‌نظیر برخوردار بود، تا آنجا کانون‌های علمی او را سزاوار عناوین "دانشمند همه‌قرون و اعصار"<sup>۲</sup> و همچنان "استاد جاوید" دانسته‌اند.

بیرونی نه تنها منادی تجددگرایی توأم با روح انتقادی در زمانه خود به شمار می‌رود، بلکه به عنوان پیشکسوت تساهل میان اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها نیز شناخته می‌شود. او با وجود نگاه خردگرایانه به میراث علمی و فرهنگ "خودی"، احترام به "دیگری" را نیز اساسی می‌انگاشت و از رهگذر مطالعات میان‌فرهنگی، تسامح معطوف به گفتگو مندی متون در حوزه تمدنی ما را پایه‌گذاری نمود، رویکردی که امروزه تحت نام هرمنوتیک فرهنگ‌ها بحث کرانمندی افق معنایی را جدی می‌گیرد و با طرح جهان‌بین‌الاذهانی بر دیگریت "دیگری"<sup>۳</sup> صحنه می‌گذارد، ایده‌ای که بازشناسی آن از ضرورت‌های اساسی دوران ما به شمار می‌رود و به کارگیری آن ظرفیت این را دارد که در روند حیات فرهنگی و اجتماعی جوامع بشری تغییرات مهمی را بوجود آورد.

**واژه‌های کلیدی:** ابوریحان بیرونی، تجددگرایی، روح انتقادی، دیگری، تساهل، مطالعات میان‌فرهنگی، هرمنوتیک فرهنگ‌ها.

<sup>۱</sup> این متن بر اساس دعوت کمیسیون برگزاری سمینار بین‌المللی ابوریحان البیرونی که به تاریخ ۱۵-۱۷ سنبله سال ۱۳۹۷ در شهر کابل برگزار شده بود ارائه شده است.

<sup>۲</sup> ابو ریحان محمد بن احمد (۳۵۲-۴۲۷ هـ. ش)

<sup>۳</sup> دانشنامه علوم چاپ ماسکو، ابوریحان را دانشمند همه‌قرون و اعصار خوانده است.

<sup>۴</sup> Other/ Otherness

## درآمد

ابوریحان محمد بن احمد شخصیت بلند آوازه در تاریخ تمدن جهانی است. اسم او را اندیشمندان همراه با "استاد" به کار برده، "شاگردانش از ایشان با عنوان استاذ رئیس و استاذ الامام یاد کرده اند" (صفا، ۱۳۵۳: ۵۴)، همچنان ایشان به عنوان "بزرگترین دانشمند جهان اسلام" (بازورث، ۱۳۸۰: ۵۴) گرامی داشته می شود.

بیرونی به لحاظ تسلط بر رشته های گوناگون دانش، "تالیفات معتبر و تحقیقات مهم و ابتکاری" (دورانت، ۱۵۲)، اش به مثابه دانشور "ذوفنون" شناخته می شود. او بر زبان های خوارزمی، فارسی، عربی و سانسکریت مسلط بود و با زبان های یونانی، عبری و سریانی نیز آشنایی داشت، همچنان آثار و رساله های او را ۱۸۳ جلد شمرده اند. مقام ایشان در گستره دانش به اندازه بلند مرتبه است که جورج سارتن نویسنده "مقدمه بر تاریخ علم" از ایشان به عنوان "بزرگترین دانشمند همه زمان ها" (Sarton, 1931: 707) یاد نموده و در هفت دوره که دوره های علمی بشر را به نام های دانشمندان شرق نامگذاری کرده است، دوره ششم را در فصل سی و سوم کتاب اش "عصر بیرونی" (سارتن، ۱۳۸۸: ۸۱۵) نام گذاشته است.

شایان یاد آوریم که تحلیلگران "اندیشه های مسلمین را به سه شاخه اصلی: فلسفی، تاریخی و فرهنگ نگاری تقسیم می کنند. ابن سینا و اخوان الصفا را نماینده شاخه اول؛ مسعودی و ابن خلدون را نماینده شاخه دوم و ابوریحان، ناصر خسرو و ابن بطوطه را نمایندگان شاخه سوم" (نفیسی، ۱۳۶۸: ۱۸) معرفی می کنند. همچنان نگاه سوم را می توان در ذیل "دیگر شناسی" قرار داد، که در آن میان "فی تحقیق ماللهند" بیرونی نمونه برجسته از تلاش های ارزشمند برای "دیگر شناسی" به شمار می رود، دیگر شناسی که اشتیاق به "فهم"، ماده اصلی آن را تشکیل می دهد و منطق فاصله گرفتن از "مطلق انگاری" مبتنی بر "خود پسندی"<sup>۳</sup> (Weinmay, 2005: 232) در کانون توجه اش قرار دارد.

<sup>۱</sup>. Georg Alferd Leon Sarton (1884 – 1956)

<sup>۲</sup>. Introduction to the History of Science (1927)

<sup>۳</sup>. حسین بن عبدالله مشهور به ابوعلی سینا (۳۵۹ – ۴۱۶ هـ ش)

<sup>۴</sup> اخوان الصفا و خلان الوفا گروه سری فلسفی و عرفانی که در قرن چهارم هجری در بصره و بغداد تشکیل شد و دایرة المعارف رسائل اخوان الصفا را نوشتند.

<sup>۵</sup>. علی بن حسین مسعودی (حدود ۲۸۳ – ۲۴۶ هـ ش)

<sup>۶</sup>. ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (۷۲۳ – ۸۰۸ هـ ق)

<sup>۷</sup>. ابو معین ناصر بن خسرو بلخی (۳۹۴ – ۴۸۱ هـ ق)

<sup>۸</sup>. محمد بن عبدالله بن محمد بن بطوطه (۷۰۳ – ۷۷۹ هـ ق)

<sup>۹</sup>. نقد از "خود پسندی" را کیتارو نیشیدا (Kitaro Nishida / 1870-1945) فیلسوف جاپانی در برابر برتری اندیشی غربی مطرح کرده است.

خاور شناس برجسته آلمانی ادوارد ساخائو که "فی تحقیق ماللهند" و "آثارالباقیه عن القرون الخالیه" را تصحیح و ترجمه نموده، باور دارد که "بیرونی بزرگترین شخصیت عقلی است که تاریخ اسلام نظیر او را به خود ندیده است" (قدری، ۱۹۶۳: ۲۷۵)، هانری کوربن نیز او را به عنوان "درخشانترین چهره در عرصه های تاریخ، ادیان تطبیقی، وقایع نگاری، ریاضیات و نجوم در مشرق و مغرب عالم" (کوربن، ۱۳۸۰: ۲۰۹) ارج می گذارد.

قلمرو دانش ابوریحان بیرونی از یونان تا هند گسترش دارد، به گونه ای که با بسیاری از متون و منابع دست اول آنها آشنایی داشته و مورد مطالعه محققان خویشتن قرار داده بود، همچنان حوزه های علوم طبیعی و علوم اجتماعی هر دو را درنوردیده است، ایشان شخصیت دایرة المعارفی به شمار می رود که با پژوهش های روشمندش در زمینه ترکیب شیوه های استقرائی و عقل گرایی علمی و مطالعات میان فرهنگی پیشکسوت شناخته می شود.

از میان ویژگی های گوناگون ایشان می توان نگاه میان فرهنگی او را ممتاز به شمار آورد، او در زمانی به فرهنگ های دیگر ارج می گذاشت و احترام می کرد که جو غالب زمانه اش، حکایت از نفی و طرد و نابودی ارزش ها و هنجار های فرهنگی، اجتماعی دیگران را داشت، و بحث تساهل با "دیگری" جسارت مذموم در برابر اتوریتة اعتقادی شناخته می شد. ایشان با این ویژگی در واقع اسلوبی را اساس گذاشته است که در دوران معاصر از آن به عنوان هرمنوتیک فرهنگ ها شناخته می شود. او از پایه گذاران اندیشه میان فرهنگی و ارج گذاری به مفهوم "دیگری" است، چنانچه دانشمند جاپانی پروفیسور کورو یاناکاکی نیز گفته است:

وی [بیرونی] با احترام، بصیرت و کنجکاوی در باره عقاید و مذاهب هندوان تحقیق نمود و تا حد امکان سعی کرد تا بی تعصبی و بی طرفی خود را حفظ کند. وی احساس برتری بر هندوان نکرد. زیرا هندوستان مورد تحقیر وی قرار نگرفته است، بلکه در واقع مورد تحقیق و بررسی و احترام قرار گرفت. بنابراین وقتی عقاید، رسوم و آداب را خلاف اسلام مشاهده کرد، هندوان را سرزنش نکرد، بلکه کوشش کرده است تا به علل آن پی ببرد" (کوریانکی، ۱۳۵۳: ۶۰).

کاترینا استنو<sup>۵</sup> در کتاب خویش تحت نام "تصویر دیگری: تفاوت از اسطوره تا پیش داوری" نیز از ابوریحان به عنوان اندیشمندی یاد می کند که "بنیانگذار تساهل در مطالعات تطبیقی است" (استنو، ۱۳۸۳: ۱۹۹) به گونه ای که با نگاه فرهنگ محور خویش رابطه دو سویه با "دیگری" را در نظر گرفته است. او با بهره گیری از اصل فرایند مبتنی بر "مواجهه" به این مزیت دست یافته بود که در تلاقی با دیگران انتظاراتش را معنادار کند و جستار فهم مبتنی بر "بینامتنیت"<sup>۶</sup> را برجسته

<sup>1</sup>. Karl Eduard Sachau (1845 - 1930)

<sup>2</sup>. Albiruni's India (1888)

<sup>3</sup>. Chronology of Arcient Nations (1879)

<sup>4</sup>. Henry Covmin (1903 - 1978)

<sup>5</sup>. Katerina Stenu

<sup>6</sup>. Intertextul

نماید. به تعبیر دیگر بیرونی در دورانی "متدولوژی گوش سپاری و گشوده بودن در رابطه با دیگری" (Kimmerle, 2013) را اساسی تلقی می‌کرد که از "بازی تمایزها" نه تنها خبری نبود که تک صدایی شالوده‌گرا در اوج قرار داشت.

### ویژگی های کار بیرونی

بیرونی به مثابه دانشمند جامع‌الاطراف در رابطه با "غنی‌ترین تحقیقات انسانی و اجتماعی" (نصر، ۱۳۵۹: ۲۲۲) اش ویژگی‌ها و شاخص‌هایی را برگزیده بود که ترکیب آنها نه تنها نشاندهنده سبک مشخص او بود که برای اندیشمندان پس از او نیز الهامبخش تلقی می‌شود. که اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

### نفی پیشداوری در پژوهش

بیرونی در روند کار علمی و پژوهشی خویش مغلوب رویه‌های جزمی و گرفتار پیشداوری نگردیده بود، او در "ماللهند" از برتری "خود" سخن به میان نیاورده، بلکه به مقایسه آراء و عقاید هندوان، یهود، نصاری، مسلمین، مانویه و غیره پرداخته و انگیزه تألیف "آثارالباقیه" را نیز مقایسه رسوم، آداب، تواریخ و تقاویم ملل و نحل ذکر کرده است. او در مقدمه شاهکارش "ماللهند" اشاره می‌کند که هدف اش جدل و مشاجره یا "دفاع از کدام عقیده و رد دلایل مخالفین نبوده است" (مجروح، ۱۳۹۶: ۵ حوت)، بلکه "شرح حقیقت تاریخی است و بس"، به همین جهت تأکید کرده است، که:

کتاب من فقط شرح محض حقیقت تاریخی است و بس. می‌خواهم حقیقت نظریات هندوان را با دقت و بدون کم و کاست به خوانندگان شرح دهم و با نظریات شبیه یونانیان مقایسه کنم تا رابطه که بین هر دو وجود دارد واضح گردد (Sachau, 2002 : 9).

بیرونی در زمانی به تدوین "ماللهند" دست به کار شد که در معیت سلطان محمود به هند رفته بود، اما رها بودن اش از پیشداوری به ایشان جرأت بخشید تا با اندیشمندان هندی گفتگو کند، زبان سانسکریت یاد بگیرد، با منابع دست اول آنها آشنا شود و به آموزه‌های شان گوش بسپارد. به همین جهت پژوهشگران برجسته مانند هانری کوربن او را گرامی می‌دارند و شاهکارش (ماللهند) را در زمانه خودش "بی نظیر" توصیف می‌کنند:

حمله خونبار سلطان محمود، به هند، اگر بتوان گفت، دست کم به این صورت جبران شد که دانشمند همراه او [بیرونی]، موادی برای شاهکار خود فراهم کرد، اثر عظیم بیرونی، در باره هندوستان [تحقیق ماللهند] در آن دوره، در اسلام بی نظیر بود، این کتاب دست اول، مأخذ هر آن چیزی است که بعداً در باره ادیان و فلسفه‌های هندی نوشته اند، [در واقع] کتاب هماهنگی میان فلسفه افلاطونی، فیثاغورثی، حکمت هندو و برخی دریافت‌های تصوف را برجسته می‌کند (کوربن، ۱۳۸۰، ۲۱۰).

## میان فرهنگی اندیشدن

ورود بیرونی به هندوستان همراه با نیروهای نظامی در آن قلمرو تمدنی بوده است، وضعیت غیر عادی و بیگانه بودن بیرونی در هندوستان تمامی راه های رسیدن به وجه مشترک میان او و هندی ها را از جهات گوناگون مسدود کرده بود، دشواری که او را برای هندی ها "غیر" و هندی ها را برای او "دیگری" ساخته بود. اما بیرونی تصور از "دیگر" بودن هندیان را در قالب میان فرهنگی، با نفی توهمات استعلائی، بحث "تفاوت و تساوی" می دانست. او در کتاب "تحقیق ماللهند" تفاوت یاد شده را این گونه توضیح داده است: "این قوم (هندیان) با ما متفاوت هستند: اول آنها زبان است... از دیگر عوامل مابینت این است که آنان با ما در دین به طور کامل مابین هستند... از دیگر عوامل مابینت در آداب و رسوم است" (بیرونی، ۱۳: ۱۹۸۵)، اما با وجود آن بیرونی "دیگری" را سرزنش و تحقیر نمی کند، حتی گاه دیده می شود که او از هندیان به دفاع نیز پردازد، به حدی که در بخش هایی از کتاب گمان خواننده بر آن می رود که گویی نویسنده هندی باشد. ایشان بر خلاف گفتمان شرق شناسی که بر فرودستی "دیگری" در برابر "ما" استوار است، به "دیگری" حق قایل است که زاویه نگرش و صدای خود را داشته باشد. او کوشیده است با تمسک به خصلت های عمومی نوع بشر که ویژه فرهنگ خاصی نیست، عدم انتساب تمام بدی ها به همه هندیان را صحنه بگذارد، ایشان سنت های غیر عقلانی را برخاسته از خون و خاک معرفی نمی کند بلکه بر توسعه نیافتگی فرهنگی و اجتماعی جوامع انگشت می گذارد که بیشترین توده های عوام همه ملل و نحل را دربند کشیده و در بحران قرار داده است، به همین جهت توضیح داده است که: "وضع عوام هند متفاوت از عوام سایر ملل نیست و در تمام ملت ها عوام این گونه اند و حتی عوام مسلمانان نیز بر همین منوال هستند" (همان: ۲۳).

## احترام به دیگری

بیرونی فصلی را تحت عنوان "در مبدأ عبادت بتان" که به بت پرستی هندیان اختصاص دارد در "ماللهند" آورده است، ایشان به جای آنکه از منظر اعتقادی خود به آن بنگرد و مرز های سفید و سیاه را مشخص کند به پدیدار شناسی مسئله می پردازد. او در آنجا مطرح می کند که چون "عامه از درک مفاهیم انتزاعی عاجز است، تمایل به این دارد که آنها را در قالب محسوس درک کند" (بیرونی، ۱۳۶۲: ۸۳) به همین جهت اشتیاق به محسوسات و گریز از معقولات را مختص به عوام هندی تحلیل نمی کند، از نظر ایشان عبادت بتان تنها به هندیان اختصاص ندارد بلکه "بسیاری از اهل ملل به ویژه یهودیان، مسیحیان و مانویان در کتب و معبد های خود به تصویر روی آورده اند" و حتی تأکید می کند که مسلمانان نیز میل به همین شیوه دارند. او علت آن را نیز ذکر می کند که "امری است عام و اختصاص به هندیان ندارد و آن اشتیاق طبع مردم عامی به محسوسات و دوری آنان از معقولات است" (بیرونی، همان: ۸۴).

ابوریحان با وجود اینکه در رابطه با "بدایع رفتارهای هندیان" (بیرونی، ۱۳۶۲: ۵ - ۱۴۱) پرداخته است، اما تصریح می کند که این غرایب دلیلی بر تحقیر نمی تواند باشد، ایشان وضاحت داده است که: "تنها هندیان را بر این جهالت ها توبیخ نخواهم کرد بلکه اعراب نیز مرتکب گناهان بزرگ و فزایح شده اند" (بیرونی، ۱۹۸۵: ۱۴۸).

<sup>1</sup>. different and equal

بیرونی افزون بر اینکه نگاه تحقیرآمیز و فرودستانه به "دیگری" ندارد و میان "خود" و "دیگری" مرزگذاری نمی کند، دانش و دستاورد های علمی و فرهنگی آنها را ستایش می کند، چنانچه در جایی گفته است: "و من از این مقاله مذکور تنها ورقی را خواندم اما بی تردید این مقاله مشتمل بر نفایسی از اصول علم اعداد است که خداوند توفیق دهد و روزی گرداند" (همان: ۱۱۷).

بیرونی پس از آنکه در فصلی از "تحقیق ماللهند" کتب و آثار مختلف هندیان را در علوم مختلف بر می شمارد، بیان می کند: "و آنان را فنون دیگری است از دانش به همراه کتب بسیار زیادی که گویی نمی توان آنها را شماره کرد و لیکن مرا بدان احاطه علمی نیست" (همان: ۱۲۳)، از همین جهت وقتی از دانشمندان علم نجوم هند یادآوری می کند آنها را به عنوان "دانیان" احترام می گذارد.

### زمینه محوری

زمینه محوری بیرونی نگاه او را در جهت کشف مسایل و نیاندیشیدن به جای دیگری توجیه کرده است، او در هیچکدام از آثارش نکوشیده به جای دیگری اندیشه کند و باورها و آداب و رسوم آنان را فارغ از زمینه و بافت اجتماعی و فرهنگی آن تحلیل نماید، او در مقدمه ماللهند تصریح کرده است که:

من کتاب را نوشتم بی آنکه بهتان و نسبت دروغ بر هندیان ببندم، گفته ها و عقیده های آنها را نقل نمودم، اگر این سخنان در نظر مسلمانان خوش نیاید به آنها می گویم که این عقیده آنهاست، زیرا این کتاب بحث و ستیزه جویی نیست، تا در آن به رد کردن عقیده آنها پردازم، من می خواهم عقیده هندوان را چنانکه هست بیان کنم و شباهت های آن را با ملت های دیگر نشان دهم" (بیرونی، همان: ۵).

از همین جهت به جای آنکه در پی نقض و طرد سخن و نظر "دیگری" برآید تأکید می کند که او روش پدیدار شناسانه را در پیش گرفته و از "ابدی کردن نوعی بازی زبانی" پرهیز می کند. مثال بارز در این زمینه مدارای تیوریک ایشان است، که در بخش های مختلف آثارش از عدم تفسیر نهایی سخن می گوید و بر درک تحول پذیر از پدیده های علمی تأکید می نماید، امری که نشاندهنده تلاش های بی شائبه او برای تقرب به حقیقت تأویلی در راستای مفاهمه بین الاذهانی و نفی استبداد مفهومی است.

### فروتنی برای حقیقت جویی

بیرونی مدعی فهم بالجملة حقایق نیست، او مانند ابن سینا که معتقد بود: "معرفت آدمی مجمل است که جز اندی از لوازم را نشناسد" (ابن سینا، ۱۳۷۹: ۹۴) جنبه های "تدرج" و "عدم قطعیت" شناخت را در پهنه "تکثر معرفتی" مورد توجه قرار می داد، ایشان بارها اعتراف کرده است که "در تشریح علم عروض در نزد هندیان و بر قوانین عروضی آنان به تحقیق مطلع نگشتم ولی این امر را موجب آن نمی دانم که از آنچه که بوی آن را استشمام می کنم روی برتابم و به زمان احاطه کامل حواله دهم" (بیرونی، همان: ۶۰۱)، همچنان تکرار می کند: "و بدانچه که گذشت عذر همی آوردم و به تکرار

گفتم که مرا از این فن شیء فرادست نیامد که شایسته تعریف باشد الا اینکه من جهد خویش بدین مقام بذل کنم" (همان: ۱۱). بیرونی در تشریح جغرافیای مکتوبِ هندیان نیز از گفتن اینکه "به وقوف نیافتم" ابا ندارد.

#### زمینه محوری

بیرونی وقتی با امرِ نامتعارف در حوزه اجتماعی و فرهنگی "دیگری" مواجه می شود، واکنش منفی نشان نمی دهد بلکه زمینه های تاریخی و اجتماعی آن را می کاود و دلایل ناشی از آن ها را واجد اهمیت می شمارد، به گونه مثال او زمانی در باره سنت سوزاندن اجسادِ مردگان در هندوستان بویژه در کنار رودخانه گنگ سخن می گوید، از منظرِ ناظرِ بیرونی و با معیار های خود به مسئله نمی نگرَد، بلکه به عنوان پژوهشگر آگاه، کانتکستِ سنت یاد شده و دلایل درون گفتمانی آن را موردِ عنایت قرار می دهد. بیرونی در این رابطه دلیل تاریخی و اجتماعی را یادآوری می کند و نتیجه می گیرد که موضوع چگونه مقبولیتِ فرهنگی یافته است. او توضیح داده است که: "در ابتدا هندیان مرده های خود را در صحراها و یا حتی منازل رها می کردند اما از بو و بیماری های ناشی از آن آسودگی نداشتند، تا اینکه یکبار با آتش زدن آنان از بو و عفونت و بیماری ها رهایی یافتند و از آن زمان به بعد این رسم جاری گشت" (همان: ۴۷۸).

#### روحیه انتقادی

خود نامحوری در نگاه بیرونی نسبت به دیگری بر کشف و عدم تحقیر استوار است، اما این نگاه از آنجایی که از جانب دانشمندی چون او بیان می شود، نمی تواند از وجوه نقد جدا باشد. ایشان در نقد، افزون بر اینکه ملاک ها و معیار های خود را اساس استدلال قرار نمی دهد بلکه ناهمگونی و قیاس ناپذیری بازی های زبانی در گستره تنوع فرهنگی را نیز لحاظ می کند. روحیه انتقادی بیرونی معطوف به قرائت حداکثری از روایت خودی برای احیا یا انکشاف هویت هژمون ساز نیست، بلکه اساس کارش را نقد پیوسته با گفتگو تشکیل می دهد. از همین جهت ایشان در رابطه با پرداختن به مسائل تنها ناظرِ بیرونی در زمینه تحولات فرهنگی و اجتماعی نیست، بلکه زمینه های آن را نیز از نزدیک تجربه نموده و از پدیدار شناسی مفاهیم در درون گفتمان مسلط غفلت نمی کند.

یکی از ویژگی کار بیرونی "داشتن نگاه انتقادی و حتی انکار آمیز نسبت به تألیف گذشتگان است" (همایی، ۱۳۵۳: ۱۱) او به گونه مثال همه کتاب هایی را که مسلمانان پیش از وی در باره هند نوشته بودند، دیده و بسیاری از گفته های آنان را "نادرست" (بیرونی، همان: ۴) دانسته است. افزون بر آن وقتی پای تعصب نیز در نظریه های اجتماعی به میان می آید مورد تردید ابوریحان قرار می گیرد و فاقد مبنا معرفی می شود، او گرایش ابن قتیبه<sup>۱</sup> مبنی بر "تفضیل عرب بر عجم" (بیرونی، ۱۳۵۲: ۳۱۶) را نه تنها منطقی نمی داند بلکه به عنوان "افراط و استبداد در رأی" (همان: ۳۱۷) نقد می کند و مردود می شمارد.

۱. ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (۲۱۳ - ۲۷۶ ه. ق)

مناظره کتبی بیرونی با ابن سینا نیز مشهور است؛ پرسش و پاسخ های معطوف به نقد فلسفه مشائی که "طی ده مسئله پیرامون مطالب اساسی آسمان و جهان ارسطو" (بیرونی، ۱۳۹۲: ۷۳۵) صورت می گیرد، نشانه منطق انتقادی ایشان است، او با این کار "احترام به ارسطو" (توماس، ۱۳۷۹: ۱۲۷) را خدشه دار نمی کند بلکه می آموزاند که معرفت تاریخمند است و در روند آزمون و خطا پویا می شود، بنابراین ادعای فهم بالجمله نوعی توهم به شمار می رود و "معلم اول" نیز هیچگاهی از خطا و لغزش برکنار نمی باشد.

#### استفاده بهینه از منابع و شجاعت طرح مسائل

ابوریحان در همه آثارش افزون بر اینکه نگاه میان رشته ای در رابطه با علوم را در نظر داشته، منابع متنوع را نیز با دقت و حوصله مرور کرده و از آنها یادآوری نموده است. ایشان برای بهره وری از دستاورد های علمی، منابع متنوع را به گونه ذیل، در پنج دسته مورد استفاده و استناد قرار داده است:

۱. دانشمندان شرقی که عمدتاً مسلمان اند مانند کندی،<sup>۱</sup> جاحظ،<sup>۲</sup> رازی،<sup>۳</sup> جابر بن حیان<sup>۴</sup> الفزاری،<sup>۵</sup> ابو حنیفه دینوری،<sup>۶</sup> یعقوب بن طارق،<sup>۷</sup> بایزید بسطامی،<sup>۸</sup> ابوبکر شبلی،<sup>۹</sup> ابوالفتح بُستی<sup>۱۰</sup> و دیگران.
۲. حرانیان مانند سنان بن فتح،<sup>۱۱</sup> ثابت بن قره،<sup>۱۲</sup> ابراهیم بن سنان<sup>۱۳</sup> و غیره.
۳. اندیشمندان یونانی همچون ارشمیدس،<sup>۱۴</sup> بطلمیوس،<sup>۱۵</sup> جالینوس،<sup>۱۶</sup> افلاطون،<sup>۱۷</sup> ارسطو،<sup>۱۸</sup> آپولونیوس،<sup>۱۹</sup> دیوسکوریدس،<sup>۲۰</sup> دیموکریتوس.<sup>۲۱</sup>

۱. الاستله و الاجوبه

۲. ابو یوسف کندی ( ۱۸۵ - ۲۵۶ هـ. ش )

۳. ابو عثمان جاحظ عمرو بن بحر الکنانی البصری ( ۱۶۰ - ۲۵۵ هـ. ق )

۴. ابوبکر محمد بن ذکریا رازی ( ۲۵۱ - ۳۱۳ هـ. ق )

۵. ابو موسی جابر ابن حیان ( حدود ۱۰۰ - ۱۹۴ هـ. ش )

۶. ابراهیم الفزاری ( در گذشت: ۱۸۸ هـ. ق )

۷. شیخ احمد بن داود مشهور به ابو حنیفه دینوری ( ۲۲۲ - ۲۸۲ هـ. ق )

۸. یعقوب بن طارق، اثر سانسکریت موسوم به سدهانت نوشته آریا بهاتا در علم نجوم را به عربی ترجمه کرده است ( در گذشت: ۱۸۰ هـ. ق )

۹. بایزید بسطامی ( ۱۸۱ - ۲۶۱ هـ. ق )

۱۰. ابوبکر بن شبلی ( ۲۴۷ - ۳۳۴ هـ. ق )

۱۱. ابوالفتح علی بن محمد بُستی ( ۳۳۰ - ۴۰۰ هـ. ش )

۱۲. سنان بن فتح حرانی ( سده چهارم هـ. ش )

۱۳. ثابت بن قره ( ۲۲۱ - ۲۸۸ هـ. ق )

۱۴. ابراهیم بن سنان ( ۲۹۶ - ۳۳۵ هـ. ق )

<sup>5</sup> . Archimedes ( 212 - 278 BC )

<sup>6</sup> . laudius Polemy ( 100- 170 AD )

<sup>7</sup> . Aelius Galenus ( 129 - 200 AD )

<sup>8</sup> . Plato ( 427 - 347 BC )

<sup>9</sup> . Aristotle ( 384 - 322 BC )

<sup>10</sup> . Apollounius ( 15 - 100 AD )

<sup>11</sup> . Dioskorides ( 40 - 90 BC )

<sup>12</sup> . Democritus ( 460 - 370 BC )

۴. دانشمندان هندی مانند براهما گوپتا، آریا بهاتا، بجیاناند بنارسی<sup>۳</sup> و غیره، که نوشته ها و کتب آنان به کرات مورد استناد و بررسی قرار گرفته اند. شاید بتوان بیرونی را از اولین اندیشمندان مسلمانی به شمار آورد که متن های هندی متعدد را مطالعه نموده و مورد ژرف اندیشی قرار داده است.

۵. منابع زردشتی، مسیحی، یهودی، مانوی<sup>۴</sup> و سریانی .

تلاش بیرونی در استناد به کتاب های معتبر و دقت در حفظ اصالت محتوای متون را می توان از ویژگی های بارز روش علمی و تحقیقی وی دانست، او در پی فدا کردن "حقیقت" در پای "قدرت" نبود و حتی با وجود احساس خطر از ناحیه دستگاه حاکم، با شجاعت حرف دل اش را مطرح نموده و تهاجم بر هند را در قالب نقد تاریخی نکوهش کرده است، از نظر ایشان: "ناصرالدین سبکتکین... راه سست کردن و ناتوان کردن هند را بر آیندگان گشود و بعد از او یمین الدوله محمود بیش از سی سال همین راه را ادامه داد و آبادانی ها را خراب کرد" (بیرونی، ۱۹۸۵: ۶۱). او افزون بر "نکوهش لشکرکشی به هند، تخریب تمدن و علوم در هند" (نساج، ۱۳۹۲: ۸۳) را نیز ناشی از آن تلقی می کرد.

#### دانش دوستی و استغنا معنوی

ابوریحان با وجود آنکه در بستر بیماری سخت قرار داشت و نفس در سینه او به شماره افتاده بود، از دوست فقیه اش (علی بن عیسی ولوالجی)<sup>۵</sup> که به عیادت اش رفته بود، می پرسد:

ای شیخ! حساب جدات فاسده<sup>۶</sup> را که یک وقتی برای من گفته بودی دوباره بگوی که چگونه بود؟ شیخ گفت: ای حکیم، آیا اکنون وقت چنین پرسش است؟ بیرونی گفت: آیا این مسئله را بدانم و بمیرم یا اینکه ندانسته و جاهل از دنیا چشم بپوشم؟ شیخ ناچار مسئله را گفت و خداحافظی کرد، از خانه اش دور نشده بود که صدای شیون از خانه برخاست و معلوم شد که ابوریحان در گذشته است (صفدی، ۱۴۰۱ هـ. ق: ۱۳۹).

ابوریحان وقتی قانون مسعودی را تصنیف کرد، "سلطان [مسعود غزنوی] به پاداش چنین کاری، پیلواری سیم برای بیرونی فرستاد، لیکن وی آن مال را باز گرداند" (اذکایی، ۱۳۷۴: ۲۳) پذیرفت، پس فرستاد و گفت: "من از آن بی نیازم زیرا عمری را به قناعت گذرانیده ام و ترک آن سزاوار نیست" (کویر، ۱۳۹۶: ۳۱۴).

<sup>۱</sup>. Brahmagupta (597 – 668 AD)

<sup>۲</sup>. Aryabhata (476 – 550 CE)

<sup>۳</sup>. Bijayanand Banarasi

<sup>۴</sup>. اشاره هایی از کنزالاحیاء مانی در برخی از آثارش دارد.

<sup>۵</sup>. ابوالحسن علی بن عیسی ولوالجی (قرن پنجم هجری)

<sup>۶</sup>. مبحث فقهی در باب ارث است.

در سراسر آثارش برنمی‌خوریم که مربوط به بسط و گسترش نظام قدرت باشد. همچنان هیچ توصیه‌ی نیز در کتاب‌های او به چشم نمی‌خورد که به پادشاهان غزنوی توصیه کرده باشد که برای توسعه سلطه‌شان چه باید بکنند، به همین خاطر سعی کرده است شیوه‌ی رواقی خودش را در زندگی حفظ نماید و در خدمت قدرت قرار نگیرد.

#### نتیجه

نگاه اجمالی به آثار و کارنامه‌های علمی و فرهنگی ابوریحان بیرونی حاکی از آن است که ایشان با داشتن دانش عمیق در همه رشته‌های علوم به مثابه اندیشمند جامع‌الاطراف از جذابیت جهانی برخوردار باشد. اندیشمندی که با توجه به "حق دیگری برای زیستن" رویکرد میان فرهنگی را اساس گذاشته و ضرورت رابطه متقابل میان سوژه‌ها در مسیر تمدن را جدی گرفته است.

تلاش‌های بیرونی در هند بیانگر این واقعیت است که او را از پیشکسوتان فلسفه دیالوگ و تسامح بشناسیم، به گونه‌ای که بن‌مایه بیناانسانی را گسترش داده و از اتکاء به شیوه‌های "من محور" پرهیز کرده است. ایشان عملاً نشان داده است که رابطه نمی‌تواند رویداد ذهنی دانسته شود، زیرا "من"، "تو" را بازنمایی نمی‌کند، بلکه با او دیدار می‌نماید. دیدار "من" و "تو" نه در ذهن، که در قلمرو هستی انجام می‌شود، روندی که جهش به سوی اهمیت دادن به مناسبات انسانی را تقویت می‌کند و جوهره اخلاقی آن را برجسته می‌سازد.

مهمترین درس از کارنامه‌های بیرونی، یاد گرفتن این مسئله اساسی است که "ملاقات میان تمدن‌ها" برای زدودن توهم "یکسان‌سازی معطوف همه یا هیچ" (اشراق، ۱۳۹۶: ۸۵) را جدی بیانگاریم، مرزهای خاکستری فرهنگ‌ها را صحنه گذاشته و سرانجام گفتگوی "خود" و "دیگری" را دوامدار نگهداریم، زیرا اگر از یکطرف "من می‌اندیشم، پس هستم" دکارت مهم پنداشته می‌شود، از جانب دیگر "تو هستی، پس من هستم" (انصاری، ۱۳۸۴: ۷۸) باخترین نیز مهمتر به نظر می‌رسد، و پیام ابوریحان شامل هر دوی آن یعنی اندیشیدن "من" برای فهم و احترام "دیگری" است. از همین جهت ضرورت جدی احساس می‌شود پیام بیرونی که احترام به مفهوم "دیگری" است را بازخوانی نماییم، تا بحث اندیشیدن میان فرهنگی جدی گرفته شود، ظرفیت‌های ما برای وداع با کلیشه‌های حقیقت‌تعلیمی به کار انداخته شود و تعامل میان افق‌های ما در محور جاذبه‌های حقیقت‌تواضعی معنادار گردد و توسعه یابد.

#### منابع:

- ابن سینا حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). *التعلیقات*، تصحیح عبدالرحمن بدوی، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- اذکائی پرویز (۱۳۷۴). *ابوریحان بیرونی (افکار و آراء)*، تهران: طرح نو.
- استنو کاترینا (۱۳۸۳). *تصویر دیگری، تفاوت: از اسطوره تا پیش‌داوری*، ترجمه گیتی دیهم، تهران: دفتر پژوهش‌های بین‌المللی.

<sup>1</sup>. polymath

<sup>2</sup>. آموزه‌های بیرونی مبتنی بر تعامل تمدن‌ها و بر عکس نظر رود یار کیپلینگ است که مطرح می‌کرد: "تمدن‌ها با هم ملاقات (تعامل) نمی‌کنند".

- اشراق سید حسین (۱۳۹۶). مفاهیم کلیدی فلسفه میان فرهنگی، کابل: نبراس و تسامح.
- انصاری منصور (۱۳۶۴). *دموکراسی گفتگویی: امکانات دموکراتیک اندیشه های میخایل باختین و هابر ماس*، تهران: نشر مرکز.
- بازورث اشپولر و دیگران (۱۳۸۰). *تاریخ نگاری در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات گسترده .
- بیرونی ابوریحان (۱۹۸۵). *فی تحقیق ماللهند من مقوله مقبوله فی العقل او مردوله*، هند: حیدر آباد دکن.
- بیرونی ابوریحان (۱۳۵۲). *آثار باقیه*، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: ابن سینا .
- بیرونی ابوریحان (۱۳۶۲). *تحقیق ماللهند*، ترجمه منوچهر صدوقی سها، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بیرونی ابوریحان (۱۳۹۲). *آثار باقیه: از مردمان گذشته*، ترجمه پرویز سپیتمان (اذکائی)، تهران: نی.
- توماس هنری (۱۳۷۹). *بزرگان فلسفه*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دورانت ویل (۱۳۴۳). *تاریخ تمدن*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۱، تهران: اقبال.
- ذبیح الله صفا (۱۳۵۳). *در: یاد نامه بیرونی*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی.
- سارتن جورج (۱۳۸۸). *مقدمه بر تاریخ علم*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- صفدی صلاح الدین (۱۴۰۱ هـ ق). *الوافی بالوفیات*، محقق: هلموت ریتز، بیروت: دارالنشر فرانز شاینر.
- کوربن هانری (۱۳۸۰). *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جواد طباطبایی، تهران: کویر.
- کورویاناکس (۱۳۵۳). *البیرونی و تحقیقات هند* [در: مجموعه سخنرانی های یادنامه بیرونی]، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی.
- کویر محمود (۱۳۹۶). *هنرهای قفنوس: ساسانیان تا سامانیان*، لندن: ایچ اس میدیا.
- قدری حافظ طوقان (۱۳۸۲ ق). *تراث العرب العلمی فی الرياضیات و الفلک*، قاهره: دارالقلم.
- مجروح سید بهاء الدین (۱۳۹۶). *به یاد علامه ابوریحان بیرونی و در جستجوی روحیه تحقیقات علمی او*، ۵ حوت: majrooh.insan.af
- نساج حمید (۱۳۹۲). *سنجش "ماللهند" ابوریحان بیرونی بر اساس مؤلفه های شرق شناسی ادوارد سعید*، دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره ۹، شماره ۱۷، تهران: دانشگاه امام صادق.
- نصر سید حسین (۱۳۵۹). *علم و تمدن در اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران: خوارزمی.
- نفیسی [تقی زاده] محمود (۱۳۶۸). *سیری در اندیشه های مسلمین*، تهران: انتشارات امیری.
- همایی جلال الدین (۱۳۵۳). *ابوریحان بیرونی، اختراعات و اکتشافات و فن نجوم*، تهران: نشر طهوری.

Kimmerle Heinz (2013). *Dialogues as form of intercultural philosophy*, Conference on the Future of Culture, www.interculturalstudies.ir.

Sachau Edward C [ Ed] (2002). *Alberuni's India. An Account of the Religion, Philosophy, Literature, Geography, Chronology, Astronomy, Customs, Laws and Astrology of India* New Delhi: Rupa & Co.

Sarton Georg (1931). *Introduction to the History of Science*, Vol.1, Baltimore: Williams and Winkins.

Weinmay Elmar (2005). *Thinking in Transition: Nishida Kitarō and Martin Heidegger*, translated by John W. M.

Krummel and Douglas Berger, *Philosophy East and West*, Vol. 55, No. 2, USA: University of Hawai'i Press.